



۱۴

حرفه‌ای سلامت باشید!



۱۶

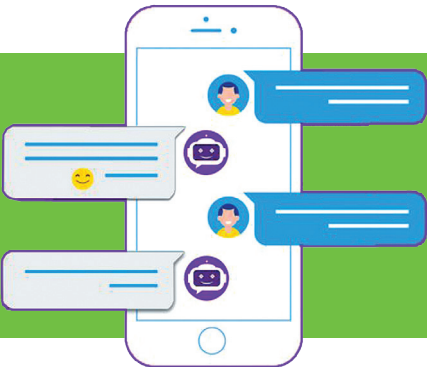
دل امامزاده جعفر هم لرزید

۱۵

ایده‌های همیشه طلایی

زندگی

یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ :: شماره ۵۳۶۹



پاتوقی برای پراید تاکسوس

مردمی که شب‌ها به حاشیه بوستان نیاوران می‌آیند، از همه قشری هستند. این را لاقلا از نوع ماشین‌هایشان می‌توان فهمید که در آنجا هم خودروهای ارزان‌قیمت داخلی مثل پراید پیدا می‌شود و هم ماشین‌های لوکس خارجی مانند لکسوس، اما به نظر می‌رسد بیشتر آنها، چه فقیر و چه غنی، از این تفریح شبانه لذت می‌برند. نمونه‌اش خانواده سه نفره‌ای که پای بساط یک جگرکی سیار نشسته‌اند و زن و شوهر و دختر بچه خردسال با وِلغ خاصی سیخ‌های دل و قلوه و خونک را به نیش می‌کشند. پدر این خانواده می‌گوید اهل این محل نیست، اما هر چند شب یک بار خانواده خود را مهمان بساطی‌های بوستان نیاوران می‌کند.

او البته از وضعیت بهداشت این محیط و غدا فروشی‌های سیار این محل نسبتاً ناراضی است و می‌گوید: به سلامت غذای رستوران‌ها نمی‌توان اعتماد کرد، چه رسد به غذای این بساطی‌ها. اما به هر حال خانواده‌مان اینجا را دوست دارند و قیمت‌هایش هم از رستوران‌ها و فست‌فودها نسبتاً ارزان‌تر است. حال و هوایش نیز بدک نیست و غذا خوردن در این پاتوق خیابانی، به نوعی هم فال است و هم تماشا.

اما این فال و تماشای شبانه مردم، بعضی از افراد حاضر در این صحنه را ناراحت می‌کند. از جمله نگهبان پارک که تاکید دارد حضور بساطی‌ها در این محله، باعث ایجاد ترافیک و سد معبر شبانه در خیابان حاشیه پارک می‌شود. او از زیاله‌هایی که در این پاتوق تولید می‌شود نیز به عنوان دردسری برای رفت‌وگرای محله یاد می‌کند و می‌گوید، باید صبح‌ها به اینجا بیایید و ببینید خاکسترهای باقیمانده از آتش‌های شبانه و آشغال‌هایی که مردم روی زمین می‌ریزند چه منظره ناخوشایندی را در این خیابان درست می‌کند.

نگهبان مسن پارک از این وضعیت به شهرداری و نیروی انتظامی گله می‌کند و می‌گوید: چند بار از ماموران شهرداری و کلانتری محل خواسته‌ایم با این غذا فروشان دوره‌گرد برخورد کنند. آنها هم گاهی می‌آیند و به این افراد تذکر می‌دهند. اما در مجموع اقدامی جدی برای جمع‌آوری این پاتوق شبانه انجام نمی‌دهند و به نظر می‌رسد آنها مشکلی با حضور این بساطی‌ها ندارند. اما به نظر من، حضور این بساطی‌ها باعث ایجاد مزاحمت برای ساکنان محله می‌شود و بهتر است مسئولان هرچه زودتر برای ساماندهی این وضعیت فکری کنند.

او البته تاکید می‌کند با جمع کردن همه این بساطی‌ها به طور کامل نیز موافق نیست، چرا که به گفته او، این راه، تنها راه کسب درآمد برای بعضی از بساطی‌های این محله است و در این باره زن و شوهری را مثال می‌زند که هر دو بازنشسته شده‌اند، اما حقوقشان کفاف مخارجشان را نمی‌دهد و ناچارند برای گذران زندگی، به این کار بپردازند.



فروشنده‌گان دوره‌گرد مواد غذایی کنار خیابان‌های تهران این شب‌ها قلیان را نیز به منوی خود اضافه کرده‌اند

شب‌های دودی



محمد حسین خودکار

جامعه

چند ساعتی است که سیاهی بر آسمان چیره شده و شب به نیمه خود نزدیک می‌شود. در این ساعات بیشتر نقاط پایتخت از غوغای روزانه خالی شده، اما برخی نقاط دیگر تا چند ساعت بعد از نیمه‌شب هم میزبان مردم بسیاری است که پای بساط فروشندگان دوره‌گرد مواد غذایی را شلوع کرده‌اند.

بساطی‌هایی که از سال‌ها پیش می‌شدند و نشان آنها را در برخی محله‌های پایتخت پیدا کرد، اما از سال گذشته رفته رفته بر تعدادشان افزوده شد و این شب‌ها کمتر می‌توان در محله‌های تهران مثل فرشته، نیاوران، رسالت، ولنجک و تهرانپارس چرخید و ردی از دکه‌های جگرکی‌های سیار را می‌توان دید، اما خیابان‌های شمال شهر بیشتر در قرق دکه‌هایی است که در ماه‌های گذشته تنوع محصولاتشان را اضافه کرده‌اند و علاوه بر فروش مواد غذایی، مشتی یا نشان را به دود قلیان شبانگه‌ای نیز مهمان می‌کنند.

حاشیه بوستان نیاوران از نقاطی است که در ماه‌های اخیر، به خاطر حضور دکه‌های سیار هر شب شلوع‌تر می‌شود؛ دکه‌هایی که البته هیچ‌کدام از شهرداری یا نهاد دیگری مجوز ندارند و در این محل دور هم جمع شده‌اند.

اینجا هم مثل خیلی از پاتوق‌های شبانه مشابه در تهران، قلیان پای ثابت جنس‌هایی است که از سوی بساطی‌ها ارائه می‌شود، اما فروشندگان این محل علاوه بر قلیان، انواع و اقسام خوراکی‌ها مثل جگر، جوجه، بلال و آتش رشته را نیز می‌فروشند. همچنین دکه‌های سیار حاشیه بوستان نیاوران مثل خیلی از دکه‌های معمولی، چای، نسکافه، سیگار و تنقلات نیز عرضه می‌کنند و اصولاً اینجا خیلی از کاسب‌ها با وانت‌هایی یا به این محل می‌گذارند که آن را به شکل همان دکه‌ها درآورده‌اند.

مثلاً یک ذرت پشت نیسان آبی‌اش اتاقکی چوبی قرار داده و در آن ذرت مکزیکی و اسنک درست می‌کند. کاسبی دیگر نیز با پراید وانت آمده و پشت آن را سقف زده و در آن دل و جگر به سیخ می‌کشد. قلیان‌هایش را هم روی سکویی در حاشیه بوستان چیده و هر که طلب کند، او را از دود قلیان بی‌نصیب نمی‌گذارد؛ قلیان‌های میوه‌ای با طعم‌های پرتقال، لیمو، دوسیب، بلوبری و آدامس دارچین؛ هر قلیان ده تا ۱۵ هزار تومان. یا مثلاً در سوی دیگر خیابان، فولکس واگن زرد رنگ

کسب و کاری از سر ناچاری

آرام آرام عقب‌ریه‌های ساعت از یک بامداد عبور می‌کند، اما اینجا هر چقدر که زمان می‌گذرد، استقبال مشتری‌ها از دکه‌های سیار حاشیه بوستان نیاوران بیشتر می‌شود. آن قدر که مشتری‌های جدید ناچارند خودروهایشان را دوبله پارک کنند که این موضوع کم و بیش با بحث و جدل بین آنها و برخی بساطی‌ها همراه است.

همه فروشندگان دوره‌گرد این خیابان با وانت، نیسان یا فولکس به این محل نیامده‌اند و برخی وسایلشان را با خودروهای سواری خود به اینجا آورده‌اند. مثل دو جوانی که در گوشه‌ای از این معرکه، بساط جگر و جوجه راه انداخته و ظاهراً همه وسایلشان را بار یک پراید کرده و به حاشیه بوستان نیاوران آورده‌اند.

قلیان که مال ما نیست!

در ماه‌های گذشته نهادهایی مثل شهرداری تهران فروشندگان دوره‌گرد مواد غذایی را آزادتر گذاشته‌اند و به‌خصوص در طول شب بیشتر از گذشته به این افراد اجازه می‌دهند که در نقاط مختلف پایتخت بساط خود را بپهن کنند. اما بساطی‌های محله‌های گوناگون، از جمله دکه‌های سیار حاشیه بوستان نیاوران، هنوز خاطراتی از درگیر شدن خود با ماموران شهرداری را به یاد می‌آورند و می‌گویند حتی در ماه‌های اخیر هم که دست آنها بازتر گذاشته شده است، بازهم هر از گاهی ماموران شهرداری آنها را مجبور به جمع کردن بساطشان می‌کنند.

جواد البته تاکید دارد اکنون وضع با زمانی که فروشندگانی مثل او ناچار بودند به طور مخفیانه در این بوستان بساط کنند، بسیار فرق کرده و در شرایط فعلی آنها خیلی علنی‌تر به این کار می‌پردازند. او تعریف می‌کند: قبلاً هر شب جایمان را عوض می‌کردیم تا ماموران شهرداری ما را نبینند و به محض دیدن آنها نیز سریع وسایل خود را جمع می‌کردیم و درمی‌فتم، اما الان خیلی راحت‌تر شدیم، به طوری که

سگ‌ها به جزء جدانشدنی این پاتوق شبانه بالا شهری تبدیل می‌شود.

رفته رفته هوای بهاری نیمه‌شب نیز رو به سردی می‌رود و دور هم جمع شدن را بدون روشن کردن آتش غیرممکن می‌کند. به همین دلیل، پای بساط دکه‌هایی که در پیت‌های حلبی آتش درست کرده‌اند، از بقیه بساطی‌ها شلوع‌تر شده است. مثل دکه علی که همراه با سه نفر دیگر از افراد فامیلش، آتش، بلال، چای و قلیان می‌فروشند.

علی می‌گوید او اولین کسی است که به این محل قلیان آورده و ادعا می‌کند که قدیمی‌ترین بساطی این منطقه است. با این که بیشتر از ۴۰ سال به او نمی‌خورد، اما به گفته خودش، ۱۶ سال است که در همین محله بساط می‌کند. علی البته توضیح می‌دهد که تا یکی دو سال پیش ماموران شهرداری کمتر به بساطی‌هایی مثل او اجازه کاسبی در این محله را می‌دادند. اما چند ماهی است که ماموران کمتر از قبل از فعالیت بساطی‌های این محله جلوگیری می‌کنند.

علی معتقد است که وضعیت در دیگر محله‌های تهران نیز به همین شکل شده و تاکید دارد که بازگذاشتن دست بساطی‌ها باعث شده این شغل در دیگر نقاط پایتخت گسترش یابد.

این فروشنده میانسال تعریف می‌کند که بعد از او، کم‌کم وانت‌های دیگر نیز از راه رسیدند و از تابستان پارسال، این خیابان به پاتوقی برای عرضه غذا و قلیان تبدیل شد. علی البته از این که در چند ماه گذشته دست در کارشان زیاد شده، خیلی ناراضی نیست و می‌گوید: قبلاً فقط من و یکی دو نفر دیگر در اینجا بساط داشتیم، اما از برج ۴ پارسال وانت‌های دیگری هم به این محل آمدند و در کنار ما بساط کردند. به همین دلیل، چند ماهی است که اینجا خیلی شلوع‌تر از قبل شده و طبیعی است که هر چه اینجا شلوع‌تر باشد، کاسبی ما هم بهتر می‌شود.

بهر شدن کاسبی علی و فروشنده‌هایی مثل او، در گرو این است که مثل چند ماه گذشته دست این فروشندگان باز گذاشته شود تا آنها با خیال راحت‌تری بتوانند به این کسب و کار بپردازند. البته این کاسبی فرق چندانی با دستفروشی ندارد و همان نکاتی را که درباره معایب دستفروشی می‌توان گفت، در مضرات دکه‌های سیار نیز می‌توان بیان کرد. به‌خصوص که این دکه‌ها مواد غذایی و قلیان عرضه می‌کنند و در صورتی که نظارت بهداشتی روی این محصولات نباشد، عرضه آن به این شکل می‌تواند سلامت مردم را به خطر بیندازد. اما اگر این فعالیت ساماندهی شود، هم فروشندگان دوره‌گرد مواد غذایی می‌توانند در این اوضاع اقتصادی لقمه‌ای نان دریاورند و هم مردم می‌توانند با اطمینان خاطر بیشتری پای بساط این فروشندگان بنشینند.

صاحب این بساط به شوخی می‌گوید که جاداد این همه میز و صندلی پلاستیکی، منقل، مواد غذایی، قفسه‌های شیشه‌ای، زغال، سیخ و دیگر تجهیزات در یک پراید کوچک کار هر کسی نیست و فوت کوزه‌گری می‌خواهد.

او مشغول باد زدن سیخ‌های جوجه و بال و دل و جگر و آماده کردن آن برای مشتری‌هاست؛ هر سیخ جوجه ده هزار تومان، هر سیخ بال ۸۰۰۰ تومان و هر سیخ دل و جگر ۴۰۰۰ تومان.

مجتبی تعریف می‌کند امشب، سومین شبی است که به این خیابان آمده، او البته می‌گوید پارسال نیز چند ماهی در همین خیابان بساط می‌کرد و همین چیزها را می‌فروخت. مجتبی هم مثل دیگر بساطی‌های این محله، شب‌ها حدود ساعت ۱۰ شب از راه می‌رسد و تا ۳ و ۴ صبح مشتری‌هایش را راه می‌اندازد.

او خوشحال است از این که با وجود گرانی‌ها، استقبال مردم حداقل در این منطقه از شهر از غذا فروشی‌های سیار شبانه بیشتر شده. مجتبی همچنین از وضع کسب و کارش نیز راضی به نظر می‌رسد و می‌گوید در این شرایط کار بهتری گیرش نمی‌آید و فعلاً قصد دارد به همین کاسبی ادامه دهد. به همین خاطر، او در تدارک تهیه یک وانت است تا دکه‌ای شبیه بقیه دکه‌های سیار فروش غذا داشته باشد.

لقمه‌ای نان از دود قلیان

ساعت دو بعد از نیمه‌شب همچنان پای بساط دکه‌های سیار حاشیه بوستان نیاوران شلوع‌تر می‌شود. فضای داخل پارک البته کمی خلوت‌تر است و در گوشه‌ای از آن، سه نفر روی سکویی نشسته‌اند و فارغ از هیاهویی که چند متر آن طرف‌تر در جریان است، بساط کشیدن «گل» را آماده می‌کنند. اما در کنار بساطی‌ها، آرام آرام سگ‌های زیادی همراه صاحبان خود سر می‌رسند و کم‌کم صدای واق واقع

می‌توانیم برای جلب مشتری، تابلو نصب کرده و دور ماشین‌هایمان چراغ روشن کنیم.

اما علاوه بر ماموران شهرداری، هنوز هم گاهی ماموران اداره بهداشت به این محل سرک می‌کشند. البته چون این دکه‌ها سیار هستند و بدون مجوز فعالیت می‌کنند، آنها نمی‌توانند دکه‌های سیار را پلمب کنند و آن‌طور که جواد می‌گوید، فقط چند باری که ماموران به این پاتوق آمده‌اند، از دکه‌هایی که غذا و ساندویچ می‌فروشد، درخواست کرده‌اند لاقل برای دریافت کارت بهداشت به آن اداره مراجعه کنند. ماموران اداره بهداشت درباره قلیان‌هایی که این فروشندگان به دست مردم می‌دهند نیز به آنها تذکر داده‌اند، اما این تذکرها هیچ وقت افاقه نکرده و جواد دلیلش را این‌طور توضیح می‌دهد: قلیان‌ها را روی سکوی حاشیه پارک می‌چینیم تا وقتی ماموران شهرداری یا اداره بهداشت می‌آیند، نتوانند ادعا کنند که این قلیان‌ها برای ماست، اما اگر قلیان‌ها را داخل ماشین‌هایمان می‌گذاشتیم، تابلو می‌شد و آنها می‌توانستند به جرم عرضه غیرمجاز قلیان توبیخ‌مان کنند.